

شیعه بودن در لبنان امروز چه معنایی دارد

به قلم حنین غدار (fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

۱۲ دسامبر ۲۰۱۹

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/what-does-it-mean-be-shia-lebanon-today

العربية (/policy-analysis/madha-yny-tkwn-shyyana-fy-lbnan-alywm/)

درباره نویسنده



حنین غدار (fa/experts/hnyn-ghdar-0/)

حنین غدار هموند فریدمن در برنامه گدولد در انستیتو واشنگتن است که بر سیاست کشورهای عربی متمرکز است. در این برنامه مطالعات او در حوزه سیاست‌های شیعیان در سرزمین شام است.



تحلیل کوتاه

حنین غدار هموند مهمان بخش درحال گشایش فریدمن در برنامه گدولد برای سیاست عرب در انستیتو واشنگتن است. او بر سیاست‌های شیعی در سرتاسر منطقه شام تمرکز دارد.

در میان شیعیان لبنان دو تغییر عمده در درک جمعی از جماعت شیعه در حال رخ دادن است. نخست هویت شیعی لبنانی‌هاست که در حال تبدیل شدن از هویت فرقه‌ای به هویت ملی است و این ناشی از هزینه‌هایی هست که شیعیان لبنان در طی دهه گذشته متحمل شده‌اند و دوم تمایل روزافزون به عبور از روایت مقاومت است که روایت جنگ و دکتربین اسلامی دیده می‌شود.

از یک وجه هویت شیعیان لبنان همچنان ریشه‌های عمیقی در ایده‌های مقاومت و خصومت با اسرائیل دارد. با این حال حس انزجار از جنگ و ادامه تلاش‌های حزب‌الله برای نظامی‌سازی جامعه شیعی در حال قوی‌تر شدن است. امروزه تمایل عمومی برای زندگی بهتر ثبات مالی و امنیت وجود هویت نظامی‌گری و تشنه جنگ را به چالش می‌کشد. با این منطقی اهمیت هویت ملی – و حس تعلق داشتن به ملت لبنان – روزبه‌روز نسبت به هویت‌های فرقه‌ای بیشتر می‌شود. یعنی آنچه مدت‌ها به عنوان سیاست مسلط در لبنان وجود داشته است.

این دگرگونی طی چندین سال صورت گرفته اما چنین تغییراتی بسیار پیچیده تدریجی و آهسته است و بسته به شرایط سیاسی و اقتصادی ظهور می‌کند و یا محو می‌شود. و حال با آن که روند تغییر در جماعت شیعی آهنگی ثابت دارد هنوز هم برای شیعیان به عنوان یک جماعت آسان نیست که در جریان فرایندی که هنوز تکمیل نشده و یا تحقق نیافته نظرات خود را ابراز کنند.

بررسی وضعیت شیعیان لبنان

امروز بیش از هر زمان دیگر در تاریخ مدرن لبنان آشکار شده که یک جماعت بزرگ و یکپارچه شیعه وجود ندارد. در عوض عناصر سازنده این جماعت امواج پی‌درپی تغییر هویت و کشمکش‌های داخلی را از سر گذرانده و همین امر به آن لایه‌های هویتی چندگانه‌ای بخشیده است که اغلب همه را می‌توان در هر یک از اعضای آن مشاهده کرد. این ویژگی قرارداد جماعت شیعه در یک دسته‌بندی خاص را تبدیل به موضوعی پیچیده می‌کند.

آنچه روشن است این است که حالا افراد شیعه‌مذهب با پیوستن به صف اعتراضات در لبنان یا با انتشار پیام‌های ضبط‌شده علیه حزب‌الله در

واتس‌آپ و حتی با مغتنم شمردن فرصت برای یک پیام گذرا در برنامه‌های تلویزیون ناراضیتی و مخالفت خود را با حزب‌الله نشان می‌دهند و این دست ابرازنظرها دیگر اتفاقات غیرمعمول به حساب نمی‌آید. به‌علاوه این وقایع بیانگر واقعیت پنهان عمیق‌تری است که تا حال نمی‌توانسته از لابه‌لای آن هویت چندلایه سربرآورد و رشد زیرپوستی آن دیده نمی‌شده است.

گذشته از آن این لحظه‌های نوظهور اعتراض تصویر جماعت شیعی در چشم غیرلبنانی‌ها را که شیعیان حامی حزب‌الله هستند از یکدستی خارج می‌کند. نظرسنجی اخیری که تریبون آزاد فکر منتشر کرد

<https://www.washingtoninstitute.org/fikraforum/view/new-lebanon-poll-despite-protests-most-shiites-still-back->

(**hezbollah-and-ira**) نشان می‌دهد که در میان جمعیت شیعی امروز لبنان ۷۵ درصد از پاسخ‌دهندگان همچنان نگرشی «بسیار مثبت» نسبت به حزب‌الله دارند. هرچند این رقم اندکی کمتر از ۸۴ درصد در اواخر ۲۰۱۷ و ۷۷ درصد در اواخر ۲۰۱۸ است.

گرچه آمار دروغ نمی‌گوید اما می‌تواند واقعیت‌های متغیر در جامعه را که دستیابی به آن از راه نظرسنجی دشوار است پنهان سازد. گشودن لایه‌های هویت شیعی به چیزی بیش از طرح پرسش‌های صریح از طرف کسانی خارج از جماعت درباره دیدگاه شیعیان نسبت به حزب‌الله و ایران نیاز دارد. شناسایی نگرش واقعی شیعی مستلزم درک این لایه‌های هویتی و تأمل در مسائلی فراتر از حزب‌الله و ایران است. مسائلی چون جنگ و صلح در لبنان متحدین داخلی حزب‌الله و اهمیت مرکز شیعه نجف در عراق یعنی جایی که آیت‌الله سیستانی الگوی ایرانی جامعه شیعی مبتنی بر ولایت فقیه را به چالش می‌کشد.

درک هویت شیعی همچنین نیازمند آن است که دربابیم شیعیان لبنان نهادهای شیعی (داخل و خارج) را نماینده چه چیزی می‌دانند. حزب‌الله شاید در نظر برخی‌ها نماد مقاومت و برای برخی دیگر به معنای پشتیبانی و حفاظت باشد. ایران برای برخی‌ها از توانمندسازی نمایندگی می‌کند و برای بعضی دیگر از حمایت مالی. بسیاری از شیعیان هنوز حزب‌الله را با چهره ای پدران می‌بینند و احساس می‌کنند که مکلف اند و یا وظیفه دارند که از این پدر در برابر بیگانگان حفاظت کنند. با این حال این بدان معنا نیست که شیعیان در درون خود نیز حزب‌الله را به چشم پدری که باید حرمت‌اش را حفظ کرد می‌بینند.

با توجه به این واقعیت‌ها تلاش برای قرار دادن جماعت شیعی در یک دسته‌بندی خاص اغلب باعث می‌شود حقایق پنهان از چشم دور بماند و مهمتر از آن چنان دسته‌بندی‌ای می‌تواند به نفع حزب‌الله و دیگر رهبران فرقه‌ای تمام شود که ترجیح می‌دهند آن حقایق و آن لایه‌های هویتی را و واقعیتی را که این میانه وجود دارد به سود حفظ تصویری از یک نهاد یکپارچه عظیم بیوشانند. روایت اصلی حزب‌الله این است که از اکثریت شیعه در لبنان نمایندگی می‌کند با آن‌که به‌خوبی می‌داند که این ادعا نادرست است و گرنه در دو ماه گذشته اعتراضات در شهرهای شیعه‌نشین را با چنان خشونت سرکوب نمی‌کرد.

لایه‌های هویتی در فرد شیعه

بسیاری از شیعیان هویت‌های متعدد و لایه‌های گوناگون شخصیتی پیدا کرده‌اند چرا که باید واکنشی به نیروهای مختلف می‌داشته‌اند از جنبش امل موسی صدر گرفته تا سلطه سازمان آزادی‌بخش فلسطین بر جنوب لبنان تا سال ۱۹۸۲ به‌علاوه همه آنچه در جنگ داخلی و جنبش‌های چپ‌گرا گذشت که بر شیعیان تکیه داشتند و اخیراً هژمونی عاملیت و هویت شیعی که ایران آن را ترویج می‌کند. هر فرد شیعه می‌تواند همزمان طرفدار فلسطین و ضد فلسطین طرفدار مقاومت و ضد مقاومت و طرفدار لبنان و ضد لبنان باشد. این تفاوت‌های پنهان اکنون در حال آشکار شدن است اما از مدت‌ها قبل وجود داشته است.

این امر همچنین در مورد شیعیانی که پشتیبان حزب‌الله هستند هم صادق است. هر حامی یا جنگجوی حزب‌الله که من پس از دوره نوجوانی‌ام با او حرف زده‌ام گفته که از این لایه‌ها گذر کرده است. آنها از جنگ و ایدئولوژی خسته‌اند با این حال ریشه در هویتی دارند که پیروزی‌های گذشته را برای‌شان باشکوه می‌سازد. آنها میان مقاومت و ایده بی‌جان چپ درباره رهایی - مبتنی بر جنبش مقاومت ملی که پیش از حزب‌الله وجود داشت - دوپاره مانده‌اند. مقاومتی ایدئولوژیک که حزب‌الله با ارائه خدمات و اختصاص حساب‌شده بودجه‌های فرهنگی در جامعه‌ای که دهه‌ها محروم بوده رواج داده است.

یک شیعه لبنانی می‌تواند طرفدار فلسطین - به عنوان یک آرمان - باشد اما همزمان به پناهندگان فلسطینی در لبنان به عنوان سربار و جماعتی دارای حق کمتر و آزادی‌های کمتر به دیده تحقیر بنگرد. شیعه لبنانی می‌تواند از حزب‌الله بخواهد که به ماموریت اصلی خود یعنی مقاومت برگردد و از حزب‌الله به خاطر رها کردن مقاومت انتقاد کند ولی همزمان از مقاومت هراس داشته باشد چرا که مقاومت می‌تواند به معنای جنگ دیگری باشد. شیعه لبنانی می‌تواند بخواهد که با بی‌عدالتی مبارزه شود ولی همزمان اذعان کند که متحدین حزب‌الله فاسدترین چهره‌های سیاسی در لبنان اند.

بسیاری از شیعیان از جنگ‌های حزب‌الله در منطقه انزوای شیعیان و فساد فزاینده و ناکامی‌های آن به تنگ آمده‌اند. اما همزمان هراس دارند که چهره پدران (و حامیانه) ای را که حزب‌الله از آن نمایندگی می‌کند از دست بدهند و در این فرایند در معرض تبعیض فرقه‌ای و انزوای بیشتر قرار گیرند. همه شیعیان لبنان معتقد به ایدئولوژی ولایت مطلقه فقیه نیستند. بسیاری از آنها - عمدتاً کسانی که از

چپ‌گرایی و احزاب ترقی‌خواه فاصله گرفته‌اند- صرفاً به دلیل آن‌که حزب‌الله روایت مقاومت را از خود کرد. هوادار این گروه شده‌اند و نه به خاطر اعتقادات مذهبی.

ترس‌ها و دوراهه‌ها

تابوهایی که مانع از بیان آشکار این تردیدها می‌شود قوی است اما ترس از آن قوی‌تر است. در جماعت شیعه چطور کسی می‌تواند آزادانه و به روشنی ابراز نظر کند- حتی به صورت ناشناس- وقتی که ماموران اطلاعات حزب‌الله طی چند هفته گذشته هر روز در خانه هر معترض شیعه را کوبیده‌اند تا از آنها بپرسند که در طول روز کجا بوده‌اند و یا تلفن‌های همراه آنها را واریسی کنند. شیعیان این را می‌دانند که اگر فردی در یکی از میدان‌های محل اعتراض دیده شود بازجویی‌هایی پایان‌ناپذیر از او آغاز می‌شود و تمام خانواده او مرعوب و بسیاری از آنها دستگیر می‌شوند.

بر خلاف شیعیان عراقی که یک نهاد مذهبی داخلی مثل نجف دارند که تلویحاً از معترضان کشور حمایت می‌کند شیعیان لبنان چنان مرجعی ندارند. اگر اعتراضات آنها شکست بخورد و هر فرقه از معترضان به رهبر فرقه خود رجوع کند آنها جایی ندارند که به آن روی آورند. این یک دوراهه واقعی برای شیعیان لبنانی است: بسیاری از آن می‌خواهند شهروند لبنانی باشند اما می‌ترسند که اگر از مدل سنتی فرقه‌محور فاصله گیرند بی‌پناه و پشتیبان بمانند.

شیعیانی که در هراس یا حقارت زندگی می‌کنند شاید از نیازها و تمایلات خود آگاه نباشند. آنها ممکن است سرگردانی خود را بر سر دوراهه‌ها به شکلی بیان کنند که باعث کژفهمی یا نادیده گرفتن شان از سوی دیگران شود. از این رو آنچه مهم است این نیست که آنها درباره ایران یا حزب‌الله چه فکر می‌کنند. مهم بافتار اجتماعی است: این‌که چگونه و چه وقت به خیابان می‌روند چه پرچمی را برای برداشتن انتخاب می‌کنند و مهم‌تر این‌که چقدر موفق می‌شوند در برابر قواعد فرهنگی و اجتماعی- و نه لزوماً سیاسی- حزب‌الله و خطوط قرمز آن بایستند.

مهم است اذعان کنیم که مردم در نبطیه رقصیدند و زنان در وسط میدان بعلبک حجاب از سر خود برداشتند. عجیب نیست که حزب‌الله از همین رویدادها چنان ترسید که به سرکوب معترضان شیعه روی آورد. در لبنان مسائل فرهنگی و اجتماعی همیشه راه به سیاست می‌برد- و این مسئله به‌ویژه در مورد شیعیان لبنان صدق می‌کند. به همین دلیل است که حزب‌الله احساس خطر کرد و به همین دلیل است که نافرمانی معترضان اهمیت دارد.

با توجه به همه این عوامل شاید منصفانه نباشد که بپرسیم شیعه لبنانی امروز کیست. اما طرح این پرسش با تمام سوگیری‌ها و پیچیدگی‌هایی که در خود دارد بیش از هر وقت دیگری ضروری است. پاسخ‌هایی که به این پرسش ارائه می‌شود باید به تمام لایه‌ها ترس‌ها و حقایق ناگفته و پشت پرده جماعت شیعه لبنان بپردازد.

** این مقاله در تریبون آزاد فکر از ستون‌های بخش عربی وبسایت انستیتو واشنگتن منتشر شده است. نظرات بیان‌شده از سوی نویسندگان این تریبون آرای شخصی هر یک از نویسندگان است و لزوماً مورد تایید انستیتو کارمندان آن هیئت اصنا و هیئت مشاوران آن نیست.*

RECOMMENDED



BRIEF ANALYSIS

[Iran Takes Next Steps on Rocket Technology](#)

11 يونيو ٢٠٢٢



Farzin Nadimi

[\(/policy-analysis/iran-takes-next-steps-rocket-technology\)](#)



BRIEF ANALYSIS

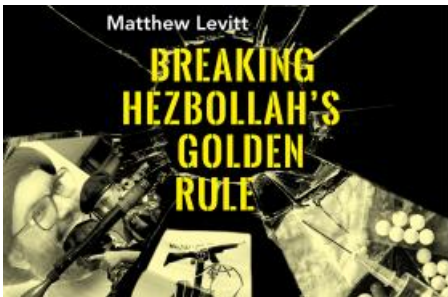
Saudi Arabia Adjusts Its History, Diminishing the Role of Wahhabism

11 يونيو ٢٠٢٢



Simon Henderson

[\(/policy-analysis/saudi-arabia-adjusts-its-history-diminishing-role-wahhabism\)](#)



ARTICLES & TESTIMONY

Podcast: Breaking Hezbollah's Golden Rule

9 يونيو ٢٠٢٢



Matthew Levitt

[\(/policy-analysis/podcast-breaking-hezbollahs-golden-rule\)](#)